

تحصیلات قدیمه

در محفلی سخن از تحصیلات قدیمه بمیان آمد جوانی گفت تحصیلات قدیمه چه سودی دارد که عده‌ای وقت خود را برای فرا گرفتن آن تلف میکنند و سرانجام هم ارزش قانونی ندارد؟ هر کس بزعم و گمان خود چیزی گفت تا نوبت به نگارنده رسید گفتم تحصیل یعنی یافتن و همه یافتها ریشه قدیمی دارد و هیچ چیزی در تمدن بشری خلق الساعده بوجود نیامده و امروز محققان و کاوشگران هر کدام در رشته کار خودشان برای علمی که آموخته اند از آغاز پیدایش آن علم و بزرگان ودانایانی که بر آن افزودند بررسی نموده و تاریخ علوم را نگاشته‌اند و در فرهنگ امروز جهان بهر علم و هنر و پیشه و کاری که توجه کنید تاریخ دارد و تاریخ آنرا تدوین کرده و در دسترس مطالعه عموم قرار داده‌اند بر خلاف روش دیرین که تاریخ عبارت بود از شرح حال جهانگیران و پیروزها و آدم کشیهای آنان .

بحکم تواریخ موجود علم قدیم و جدید ندارد و پایده و اساس علوم نخست حکمت یا فلسفه بوده که آنرا در آغاز بدو بخش تقسیم کردند .

قسمتی که ماده ندارد و محسوس نیستند و فقط بعقل دریافته میشوند (مانند نفس و عقل) آنرا مجردات و معقولات نامیدند . و آنها که ماده دارند و بحس در می‌آیند دارای شکل و مقدار و تغییرات و تبدلات میباشند .

بنابر این حکمت نظری عبارت است از علم بمعقولات و مجردات که آنرا الهیات و ما بعد الطبیعه خوانده‌اند (فلسفه اولی) .

دوم علم باحوال اجسام از لحاظ تغییرات و تبدلات آنرا طبیعیات نامیدند و از

حیث شکل و مقدار و عدد نام ریاضیات روی آن نهادند .

بتدریج در ملل قدیمه کد عبارتند از هند - چین - ایران - اقوام و ملت‌هایی که در بین‌النهرین و آسیای صغیر و مصر و یونان و روم پدید آمدند دانش بسط و گسترش یافت و در زمان‌های مختلف و قرون عدیده و قتی دانش درهند بود و درکشور چین - انگاد در ایران و سپس در میان اقوام کلده و آشور و مصر و یونان توسعه یافت و جزر و مدهائی بوقوع پیوست .

بدیبهی است نمیتوان مصدر و چشمه سار علوم را ملت واحدی دانست زیرا بررسیهای دامنه دار کاوشگران هرروزمطالب تازه ازروزگارگذشته بشرکشف میکند. و چون در این بحث شناساندن رشته‌هایی از علوم است که آنرا (تحصیلات قدیمه) نام نهادند باید از طول کلام کاست و باصل مطلب پرداخت .

بعد از ظهور اسلام که از وقایع شگرف تاریخ است در قرن هفتم میلادی نهضت عظیمی میان مسلمانان جهان در اخذ علوم و فنون بوجود آمد - آنچه فرهنگ اسلام نامیده شد عبارت بود از مجموعه عقول و نبوغ اندیشه‌های بشری در طول قرون متوالی و بطوریکه میدانیم آئین محمدی (ص) با وضع معجز آسائی بد سرعت خاورمیانه و مصر و شمال افریقا و شبه جزیره ایبری یا اسپانیا را فراگرفت و علوم ملت‌های بیشماری که امت واحدی بنام مسلمین تشکیل دادند و از لحاظ اینکه کتاب آسمانی آنها بزبان عربی بود و این زبان قرن‌ها بواسطه استعداد خاص طبیعی شایسته‌ترین زبانها برای جذب علوم و فنون بشمار می‌آید همه ممالک اسلامی تا نیم قرن گذشته زبان عربی را زبان علمی خود قرار داده بودند و همه دانشمندان در این سرزمین‌های وسیع نوشته‌ها و آثار خود را با این زبان منتشر کرده‌اند و در حکم ملت واحدی بشمار می‌آهندند زیرا تعلیم و تربیت یکسان داشتند و هیچ فرد مسلمانی از هر ملت که بود در سراسر

این ممالک که از پشت دیوار چین تا اقیانوس اطلس امتداد داشت خود را بیگانه و غریب در میان همکیشان نمییافت زیرا زبان علمی و دینی و عواطف و اعتقاد آنها یکسان و یگانه بود و شاهد بر این مدعا سفرنامه ناصر خسرو و سایر جهانگردان ملل اسلامی است.

در فرهنگ اسلامی - علوم دینی . فقه و تفسیر و حدیث (عبادات و سیاست مدن) پرورش یافت و مسلمین در اخذ علوم هر چه بود میزان قبول خود را (قران) قرار دادند فی المثل حکمت سقراط و افلاطون و ارسطو (بویژه آنچه در کتاب جمهوری افلاطون نوشته اند) دارای مطالب ضد و نقیض است محققان آنچه را که ارزنده و با آئین و اخلاق توحید سازش داشت اخذ کردند و هر چه بر مبانی شرک و روشهایی که از عادات و سنن جاهلیت بود از نقل آن خود داری کردند و بدیهی است ریاضیات از این قاعده جدا بود و هنگامیکه ما حکمت یونانی را در فرهنگ اسلامی میخوانیم همه اقوال حکیمان آنجا را موافق میزان کیش خودمان می بینیم در صورتیکه آنچه را اروپائیان بعد از اخذ تمدن از فرهنگ اسلام و بینائی و بصیرتی که پیدا کردند در سدد یافتن ریشه و اصول این علوم از منابع و چشمه سارهای نخستین برآمدند و در تاریخ قاطبه ملل قدیمه به تحقیق پرداختند و آنچه را امروز بنام یونانی عرضه میدارند مدلل میسازد که علماء اسلام نخبد و برگزیده معارف اقوام قدیمه را که ارزش علمی و اساس و پایهای داشته انتخات کردند و حق هم با آنها بود زیرا نابسامانیهای فعلی جهان آگاهی دانشجویان از مناقشات و گمراهیها و اندیشههای باطل است و بخوبی ما رنگ اندیشههای افلاطونی را در انواع اختلافات و تصادمات و مفاسد عصر خود پیدا میکنیم وقتی میزان قبول و رد مسائل و مطالب در دست بود دیگر نباید اجازه داد تضادها و تناقضات و ناسازگاریها در اندیشهها و عقاید عمومی نفوذ پیدا کند - با آنکه مترجمان

و محققان اسلامی در اخذ معارف ملل باستانی دقت بسزائی مبذول داشتند ولی از گوشه و کنار افکار فلسفی یونانی و هندی و بودائی ملت واحد اسلام که خدای لم یلدولم بولد را ستایش میکنند و دارای کتاب و میزان واحدی هستند بد هفتاد و چند فرقه تقسیم شدند . در هر حال آنچه علوم قدیمه نامیده شده مساعی عالمان مشکور و حکیمان و روحانیون اسلام بویژه ایرانیان است و تا وقتی سبک تحصیل و روش آموزش برنگ غریبی درنیامده بود مسلمین در ایران و سایر کشورهای اسلامی در ساختن مدارس و مساجد در نهایت نفاست و زیبایی بیدریغ فداکاری میکردند و از درآمد اوقاف این مدارس اداره میشد و در هر مدرسه‌ای برایگان صدها و هزارها علوم دینی و معقول و حکمت و ریاضی و هندسه و نجوم و طب و غیره را فرا میگرفتند منتی هم بر کسی نداشتند زیرا علم را وسیله کمال نفسانی و روشنائی عقل میدانستند و واسطه حجاب و مقام و عناوین صوری و نظر کردن بمردم بچشم غلاهی .

حقیقت جمع نشان اتحاد است و اتحاد نشان وداد است . تفرقه نشان دوگانگی است و دوگانگی بیگانگی است هر ضیاء که در شمع است آن آثار جمع است . در موم بی آتش انوار نیست . آتش بی موم در مجلس بکار نیست .

(خواجه عبدالله انصاری)